

تبادل در اختيارات مديريت شركت هاي سهامی

مطالعه تطبیقی حقوق ایران و فرانسه

تالیف:

دکتر سیده زهرا پور رشید



مجمع علمی و فرهنگی مجد

عنوان و نام پدیدآور : تعادل در اختیارات مدیریت شرکت های سهامی
 مشخصات نشر : تهران: مجد، ۱۳۹۴
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۱۹۳-۳۰۹-۷
 وضعیت فهرست نویسی : قیای مختصر
 یادداشت : فهرست نویسی کامل این اثر در نشانی: <http://opac.nlai.ir> قابل دسترسی است
 شماره کتابشناسی ملی : ۳۷۸۷۲۸۵

هرگونه تکثیر کامل یا قسمتی از کتاب بدون اجازه پدیدآورنده، یا ناشر خلاف قانون، شرع و اخلاق است.
 موارد تخلف را به دفتر مرکزی امجد، گزارش فرمایید.

تعادل در اختیارات مدیریت شرکت های سهامی

تألیف: دکتر سیده زهرا پور رشید

انتشارات مجد

چاپ اول : ۱۳۹۴ تعداد: ۵۰۰ نسخه
 حق چاپ محفوظ و منحصر «مجد» است.

دفتر مرکزی:

تهران، خیابان ۱۲ فروردین، تقاطع خیابان وحید نظری، پلاک ۱۰۸

تلفن و دورنگار: ۶۶۴۹۵۰۲۴ - ۶۶۴۰۹۴۲۲ - ۶۶۹۶۳۳۸۶

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۹۳-۳۰۹-۷

ISBN: 978-600-193-309-7

شعبه فروردین: خیابان ۱۲ فروردین، مقابل تعزیرات، پلاک ۲۸۲، طبقه دوم تلفن: ۶۶۴۹۰۹۹۸

شعبه اردیبهشت: خیابان اردیبهشت (منیری جاوید)، تقاطع شهدای زاندارمری، پلاک ۵۷ تلفن: ۶۶۴۸۶۸۷۴

شعبه یزد: خیابان فرخی یزدی، مجتمع تجاری شقایق، طبقه هم کف - تلفن: ۳۶۲۶۸۶۷۰ ۰۳۵

www.majdlaw.ir

E-mail: majdlaw92@gmail.com

سیستم اشتراک پذیری «مجد»:

ارسال پیامک حاوی نام و نام خانوادگی و شغل (در صورت تمایل) به شماره ۳۰۰۰۸۷۷۶۷۷

فصلنامه حقوقی مجد با ارائه مقالات اساتید مبرز حقوق کشور بطور منظم منتشر می شود.

فهرست اجمالی مطالب

مقدمه	۷
فصل اول : مدیریت و ضرورت تعادل اختیارات در شرکتهای سهامی	۱۳
مبحث اول: تحلیل رویکردها و تحولات مدیریت شرکتهای سهامی (عام)	۱۶
گفتار اول : نظریات و مدلهای مختلف مدیریت در شرکتهای سهامی	۱۶
گفتار دوم : بررسی تحولات مدیریت شرکتهای سهامی فرانسه در پرتو	
رویکردهای حقوقی	۳۱
گفتار سوم : تحولات مدیریت در شرکتهای سهامی ایران	۴۵
مبحث دوم: ضرورت ایجاد تعادل در اختیارات مدیران	۶۶
گفتار اول: اختیارات گسترده و نامتوازن مدیران در شرکتهای سهامی	۶۷
گفتار دوم : تحلیل ناکارآمدی ساختارهای کنترلی کلاسیک	۷۹
گفتار سوم : تحلیل نقش اصول راهبری شرکتی در تعادل اختیارات مدیریت	۱۳۰
فصل دوم : راهکارهای حقوقی ایجاد تعادل در اختیارات مدیریت	۱۵۹
مبحث اول : شفافیت مالی و اطلاع رسانی	۱۶۳
گفتار اول : تکلیف مدیران به شفاف سازی و اطلاع رسانی	۱۶۳
گفتار دوم : تضمین حق دریافت اطلاعات	۱۸۲
مبحث دوم : تقویت ساختارهای شرکت	۲۰۲
گفتار اول : ظهور مجدد سهامداران	۲۰۳
گفتار دوم : ظهور مدیران مستقل و غیراجرایی	۲۱۲
مبحث سوم : ایجاد تعادل از طریق ضمانت اجرای حقوقی	۲۳۷
گفتار اول : بررسی مبانی و حدود مسؤولیت مدنی مدیران	۲۳۹
گفتار دوم : مسؤولیت حرفه‌یی نسبت به وظایف و تکالیف جدید مدیران شرکها	۲۵۲
گفتار سوم : تکالیف اختصاصی مدیران	۲۷۵
نتایج و پیشنهادات	۳۰۷
منابع	۳۱۳

مقدمه

کتاب حاضر برگرفته از رساله دکتری اینجانب در رشته حقوق خصوصی است که تحت راهنمایی استاد ارجمند جناب دکتر باریکلو در اردیبهشت سال ۹۳ در دانشگاه تهران مورد دفاع قرار گرفته است. لازم به ذکر است مطالعات مربوطه از سال ۸۹ آغاز و تا اواخر سال ۹۲ بطول انجامیده است.

الف: ضرورت و بیان مساله

تا پیش از اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، شرکت‌های خصوصی در اقتصاد و حقوق ایران مسأله با اهمیتی محسوب نمی‌شدند؛ زیرا عمده فعالیت‌های اقتصادی، صنعتی و خدماتی در اختیار بخش عمومی و دولتی بود. فعالیت بخش خصوصی عمدتاً از طریق اشخاص حقیقی صورت می‌گرفت و اشخاص حقوقی نیز غالباً در چارچوب شرکت‌های تجاری اشخاص که تفکیکی میان صاحبان سرمایه و مدیریت وجود نداشت (صاحب سرمایه مدیر شرکت نیز بود)، انجام می‌گرفت. از این روی اجرای آن بخش از قانون تجارت که مربوط به شرکت‌های سهامی عام بود کاربرد کمی در سطح فعالیت اقتصادی داشت. این وضعیت با واگذاری شرکت‌های بزرگ دولتی مثل شرکت‌های بیمه‌ای، بانک‌ها و مؤسسات صنعتی نظیر شرکت‌های پتروشیمی، مخابراتی و شرکت‌های حوزه انرژی از یک طرف و تکلیف قانونی مبنی بر اداره شدن آنها در قالب شرکت‌های سهامی عام متحول شده است. با توجه به گستردگی پیکره شرکت‌های مذکور و مسایل پیرامونی آن؛ بازنگری قواعد سازمان دهنده اختیارات ارکان شرکت، به ویژه رکن مدیریت و همچنین مسوولیت مدیران در قبال اختیارات، یکی از مباحث اصلی حقوق تجارت ایران امروز است. نادیده انگاشتن چنین امر مهمی آثار زیانباری اولاً به شرکت‌های تجاری و در وهله دوم به اقتصاد کشور به بار می‌آورد. چنانچه حدود منطقی که متضمن تدارک فضایی مناسب برای اجرای وظایف مدیریت در رسیدن به اهداف شرکت که اهداف صاحبان سهام نیز است از یکسو و کنترل مناسب ارگان‌های نظارتی شرکت از سوی دیگر فراهم نشود؛ ناکارآمدی شرکت امری محتمل است و صاحبان سرمایه ناگزیرند سرمایه خود را از شرکت خسار نمایند و در فرض بدتر، شرکت‌ها با ورشکستگی مواجه خواهند شد.

نگارنده بر این نظر است که قواعد مندرج در قانون تجارت ایران برای تحقق و ساماندهی مناسب شرکت‌ها علی‌الخصوص در موضوع حدود اختیارات و مسئولیت‌های مدیران با نقصان‌های جدی مواجه است و سازوکارهای مربوطه عموماً کارایی خود را در قبال تحولات اقتصادی و اجتماعی از دست داده‌اند. موضوع دوم اینکه مطالعات و منابع علمی کشور عموماً در تبیین مسایل کلی قانون تجارت است که به هیچ وجه کافی به نظر نمی‌رسد. محور عمده منابع در تشریح ارتباط شرکت با اشخاص ثالث است در حالیکه موضوع اساسی چگونگی ساماندهی روابط درونی شرکت، مورد غفلت واقع شده است. با وصف مذکور پرداختن به موضوعاتی که بتواند راهگشای مسایل پیچیده سازکارهای اداره و مدیریت شرکت‌ها باشد موجه و ضروری است.

موضوع محوری این کتاب، تحلیل روابط ساختارهای مدیریت شرکت سهامی عام است. در منابع حقوقی سابق عمده توجهات و مباحث در خصوص مدیریت برگشت به نامتعادل بودن اختیارات و امتیازات سهامداران اکثریت و اقلیت در اداره و نظارت بر امور شرکت بود اما در حال حاضر نه تنها این معضل حل نشده بلکه چالش‌نویین دیگری نیز طی چند دهه اخیر شکل گرفته است. اخیراً قوانین تجارت به دنبال تحقق اهداف صنعتی و اجتماعی ناشی از فعالیت شرکت‌ها هستند. به ترتیبی که حمایت دولت و قانون به تضمین اختیارات مدیران انتخابی است و اختیارات لازم برای تضمین قدرت مدیران فراهم شده است. در این راستا نظام سلسله مراتبی در اختیارات حاکم بر شرکت‌های سهامی ایجاد شده است. سلسله مراتب اختیار منجر به محول نمودن مدیریت شرکت به یک یا چند نفر که معرف منافع تمامی سهامداران است، می‌شود. در قبال این واگذاری اختیار اداره شرکت به یک یا چند نفر، مسأله پاسخ‌گویی و مسئولیت مدیران در مقابل سهامداران مطرح می‌شود. از این پس عملاً دوگانگی در ماهیت اختیارات شرکت، موضوعیت می‌یابد.

این دوگانگی حول محور اختیار مدیریت (وجود اختیارات در دست مدیر یا مدیران) و اختیار نظارت بر قدرت مدیران (خصوصاً از سوی سهامداران) شکل می‌گیرد. بنابراین در ساماندهی مطلوب شرکت باید به دنبال برقراری حالت تعادل در درون شرکت بود و از این روی ایجاد تعادل و توازن در اختیارات امری اجتناب‌ناپذیر برای تحقق منافع تمامی سهامداران می‌باشد. همچنین باید گفت که در این سیستم

صحبت از یک قدرت و قدرتی دیگر به عنوان وزنه مقابل مطرح می‌شود. نهایتاً برقراری تعادل در یک سیستم مبتنی بر سلسله مراتب اختیارات تنها با تضمین کارایی وزنه معادل (مقابل) ممکن می‌باشد. بر حسب تجربه می‌توان گفت که اصل حاکم بر شکل‌گیری شرکت ماهیتی ضد تعادلی دارد چراکه عموماً به حمایت از مدیریت واحد می‌پردازد. بدین لحاظ برای حفظ تعادل ضروری است تا ابزارهای نظارتی و ضمانت‌های قدرت مقابل برای کنترل مدیریت، کارایی لازم داشته باشند.

خطر واقعی که بواسطه وجود این عدم تعادل در اختیارات، در بازارهای مالی بوجود می‌آید بکارگیری شیوه‌های مخفیانه و نادرستی است که از سوی مدیران شرکت‌ها بکار گرفته می‌شود که در نهایت منجر به بروز رسوایی‌های مالی گسترده می‌شود. افزایش روز افزون آشفتگی‌ها و ورشکستگی‌های مالی و پرونده‌های فساد مالی شرکت‌ها بیانگر ضعف‌های نظام حقوقی مدیریت و نظارت بر شرکت‌ها است. بروز ورشکستگی‌ها و مفاسد مالی شرکت‌ها حکایت از آن دارد که در موارد معدودی سهامداران گروه اقلیت، حضور مؤثر در اداره شرکت دارند و از طرف دیگر مسوولیت‌های حقوقی چندانی بر عهده رؤسای این شرکت‌ها نهاده نشده است.

بروز عدم توازن اختیارات، نتایج بغرنجی را فراهم آورده است که به شدت نظام مقررات‌گذاری بازارهای مالی و شرکت‌های سهامی را به چالش کشیده است. این چالش با رشد فرایند جهانی سازی معاملات و ادغام شرکت‌های بزرگ در سطح بین‌المللی تقویت شده شده است. بنابراین تغییر در مقررات حاکم بر حقوق شرکت‌های سهامی عام در زمینه مدیریت و اختیارات مدیران و ایجاد تعادل در این اختیارات به یک مقوله مشترک جهانی مبدل شده است. این امر اثر خود را بر حقوق شرکت‌های سهامی فرانسه از اواسط دهه ۹۰ میلادی گذاشته و قانون‌گذار فرانسوی آن را به مثابه سکوی پرشی برای انجام اصلاحات نیز بکار گرفته است. برای انجام این اصلاحات قانون‌گذار فرانسوی به سمت برقراری اصولی با متشاه کامن لایی هدایت شده است. در واقع هدف از انجام این اصلاحات در حقوق فرانسه حرکت از مرحله گذار شرکت‌های فرانسوی برای عبور از یک سیستم بسته و غیر شفاف و رسیدن به یک سیستم شفاف و پاسخگو در قبال نیازهای مشروع و به حق تمامی ذینفعان شرکت اعم از سهامداران، سرمایه‌گذاران و نیز کارکنان و حفظ منافع عمومی است. مسایل مطرح شده با گسترش

فعالیت شرکت‌های سهامی در ایران نیز بروز یافته که نمونه‌یی از آن پرونده فساد بزرگ بانکی است که اضلاع سه گانه آن شرکت‌هایی بودند که در قالب شرکت سهامی اداره و مدیریت می‌شدند.

پرسش اصلی کتاب این است که سازوکارهای اصلی و بنیادین حقوقی که برای برقراری و ایجاد تعادل اختیارات مدیریت از گذشته در دو نظام حقوقی ایران و فرانسه بکار گرفته شده‌اند با چه تحولاتی مواجه شده‌اند، دامنه تغییرات آنها چه بوده است و عوامل مؤثر بر این تحولات کدامند؟

ب: پیشینه تحقیق و علل مطالعه تطبیقی دو کشور فرانسه و ایران :

در خصوص اینکه علت انتخاب مطالعه تطبیقی نظام حقوقی ایران با فرانسه چه بوده است و به تعبیر دیگر چرا نظام حقوقی فرانسه جهت تطبیق با حقوق موضوعه ایران انتخاب شده است، باید گفت نظام حقوقی ایران اساساً مبتنی بر قانون نوشته است، بنابراین مهم‌ترین تحولاتی که می‌تواند در حوزه حقوق تجارت صورت بگیرد باید از مجرای اصلاح قوانین و مقررات باشد. شکی وجود ندارد که آخرین تحولات قانونی در حوزه حقوق شرکت‌های سهامی که در سال ۱۳۴۷ تصویب شده غالباً ترجمه موادی از قانون ۲۴ ژوئیه ۱۹۶۶ فرانسه است یا لاقابل ملهم از آن می‌باشد و حتی تغییراتی که در لایحه اخیر به تصویب رسیده و البته هنوز به سرانجام نهایی نرسیده است، (مصوبه مجلس در سال ۱۳۹۱ به شورای نگهبان ارسال گردیده و پس از اعلام مغایرت‌ها به مجلس اعاده شده است) از مؤلفه‌ها، قالب‌ها و مفاهیم قانون قبلی دور نشده و در اکثر موارد بخصوص در بحث اداره شرکت‌های سهامی و مدیریت آن عین مواد قبلی مورد تصویب قرار گرفته است. از این روی بهره‌گیری از الگوها و ساختارهای حقوق کشور فرانسه و استفاده از تجربیات این کشور برای بومی‌سازی و ایجاد تغییرات همسو با تأمین منافع عمومی مناسب‌تر از الگوی کامن‌لایی است. طبیعی است که نظام حقوقی فرانسه که عضو نظام حقوقی اتحادیه اروپا است نمی‌تواند از تغییرات پیرامون خود مصون بماند. به ویژه در دو دهه اخیر که بسیاری از راهکارها و نهادهای حقوقی که در سطح اتحادیه اروپا و ملهم از حقوق کامن لایی است به ادبیات مشترک حقوق شرکت‌های کشورهای عضو اتحادیه اروپا تبدیل شده و وارد نظام حقوقی فرانسه نیز گردیده است. از این روی نوع مواجهه و نحوه استفاده از نهادهای

حقوقی جدید در حوزه حقوق شرکت‌ها در فرانسه در زمینه مدیریت شرکت‌ها و سازوکارهای ایجاد تعادل در این اختیارات می‌تواند در ارایه و ترسیم راهکارها در نظام حقوقی ایران مفید باشد. در کنار این دلایل لازم به ذکر است که عمده تحقیقات دهه اخیر در حوزه حقوق شرکت‌ها در ایران با استفاده از منابع انگلیسی و مطالعات تطبیقی در این زمینه با نظام حقوق کامن لایسی صورت گرفته، از این روی در این کتاب ضرورت داشت که از مقایسه تکراری خودداری شود و مطالعه تطبیقی نوینی مطرح شود.

در خصوص پیشینه کارهای تحقیقاتی انجام شده پیرامون موضوع این تحقیق باید گفت پس از تصویب قانون ۱۹۶۶ فرانسه و به دنبال آن لایحه اصلاحی قانون تجارت در سال ۱۳۴۷ ایران، کارها و مطالعات تطبیقی معدودی در حقوق ایران و فرانسه صورت گرفته است که می‌توان به مهم‌ترین آن که رساله دکتری آقای سیروس مشکی است اشاره کرد (سال ۱۳۵۸). علاوه بر آن می‌توان به رساله دکتری آقای غلامعلی اعظمی اشاره کرد که در سال ۱۳۵۳ تحت عنوان "سهم در شرکت‌های سهامی" مطالبی در خصوص حقوق صاحبان سهام بیان نموده‌اند و بطور غیر مستقیم نیز مباحث تطبیقی حقوق ایران و فرانسه را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است. به جرأت می‌توان گفت که از دهه شصت شمسی در ادبیات حقوق تجارت ایران به خصوص در حوزه حقوق حاکم بر سازوکارهای مدیریت شرکت‌های سهامی مطالعه تطبیقی ایران و فرانسه صورت نگرفته و در پاره‌یی از کارهای تألیفی نیز جزء تکرار ادبیات پیشینیان، منابع قابل توجهی مشاهده نمی‌شود. با این وصف تحولات چهل ساله قانون‌گذاری فرانسه در حقوق شرکت‌ها در ادبیات ایران مغفول مانده است که در این کتاب سعی شده حول موضوعات اصلی کتاب، سیر تحولات و تغییرات مدیریت شرکت‌ها در حقوق فرانسه و ایران مطرح و مورد نقد و بررسی قرار گیرد.

ج : ساختار کتاب :

کتاب پیشروی در دو فصل تنظیم شده است. در فصل اول تحت عنوان "مدیریت و ضرورت تعادل اختیارات در شرکت‌های سهامی عام" لازم بود که برای تبیین سازوکارهای حقوقی تعادل اختیارات ابتدا نامتعادل بودن اختیارات مدیران و ناظران و سایر ارکان شرکت سهامی بیان گردد تا بر اساس نقصان‌هایی که در سازماندهی اداره

شرکت‌ها تبیین می‌شود راه کارهای حقوقی ایجاد تعادل در اختیارات مدیریت در فصل دوم مطرح شوند. از این روی در مبحث اول بدو تحولات نظری و ساختاری مدیریت در حوزه شرکت‌های سهامی مطرح شده است. در مبحث دوم اختیارات نامتوازن مدیران در اداره و مدیریت شرکت و علل آن مورد بررسی قرار گرفته است. در این مبحث بر اساس متون قانونی، رویه قضایی و رویه عملی شرکت‌ها ضعف و کاستی موجود در نهادهایی که می‌بایست مدیران شرکت را کنترل و منافع شرکت را تضمین کنند مورد بحث قرار گرفته است. شاهد تأیید کننده این نقصان‌ها این بوده که از اواسط دهه هشتاد میلادی در کشورهای که سابقه طولانی در زمینه نهادهای حقوقی حاکم بر شرکت‌ها دارند، قانون‌گذاران شروع به ایجاد اصلاحات گسترده در سازوکارهای اداره شرکت‌ها نموده‌اند. بدین جهت در مبحث سوم رویکردها و اصول تعادلی جدید در اصلاح ساختارهای شرکت مورد بررسی قرار گرفته‌اند تا شرایط برای طرح موضوع اصلی کتاب؛ یعنی سازوکارهای حقوقی مهمی که می‌توانند تعادل از دست رفته اختیارات را تا حدودی اصلاح نمایند، مطرح شود.

با نگرش حاصل از فصل اول، فصل دوم کتاب که فصل کاربردی کتاب است در سه محور اصلی، راهکارهای حقوقی برای برقراری تعادل مورد بحث قرار گرفته است. طبیعی است که سازوکارهای انتخاب شده در این کتاب ملهم از حقوق فرانسه است زیرا نظام حقوقی این کشور چندین دهه است که رسماً ضرورت پرداختن به اقدامات اصلاحی و ابداع سازوکارهای نوین را در دستور کار خود داده است، در ایران نیز از دهه هشتاد شمسی قانون‌گذار اقداماتی جهت اصلاح برخی سازوکارها بعمل آورده است که ضرورت مطالعه در خصوص این قوانین و مقررات را نمایان می‌سازد.

در پایان لازم است از همکاری و مساعدت‌های مدیریت محترم انتشارات حقوقی مجد و خاصه همکاران آن موسسه قدردانی نمایم و از محققین ارجمندی که کتاب را مطالعه می‌نمایند درخواست دارم نکات اصلاحی و انتقادی خود را به آدرس الکترونیکی زیر ارسال نمایند.^۱